پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره هفتم سال دوم دوشنبه ۱۵ ثور ۴۸- ۵ می ۶۹، شماره مسلسل ۵۹

پښتو متن:

په کابل کی د می د لومړی ورځی

دجشن د تظاهراتو فیصله لیك

په کابل کښی دمی لومړی ور ځ، د کارګرو دطبقی د قهرمانانه او ځلانده مبارزو دغه خاطره او شاندار جشن دخلك ددموکراتیك جریان تر پرچم لاندی په ډیر شور او خوګ ونمانځل شو.

د کابل ښار په دغی له ویاړه ډکی ورځی کی دبی ساری او له هیجان نه ډك نهضت مظهر و.

ستری مظاهری، له پرچمونو او نارو سره، دکارګرو، ځوانو محصلانو، دپوهنی دشاګردانو، دښاریانو او کسب ګرو او مترقی روشنفکرانو له تاودو او آتشینو فریادونو سره دخلك ددموکراتیك جریان په لارښوونه او د کار ګرو دطبقی له افتخار ډك او الهام ښونکی پرچم لاندی برپا شولی.

ددغو سترو مظاهرو په پای کی چه په زر ګو نو ځوانانو او نجونو او

(۲ مخ)

متن دری:

قطعنامه تظاهرات جشن اول می

روز همبستگی کارگران جهان در کابل

در کابل روز اول ماه می، این جشن شکوهمند و خاطره درخشان مظاهرات قهرمانانه طبقه کارگر، پیشاهنگان پیکارجوی و عصر آفرین جریان درنگ ناپذیر تاریخ، در زیر پرچم ظفرنمون جریان دموکراتیك خلق افغانستان با جلال و غریو لرزاننده‌ای در مرکز کشور ما تجلیل و برگزار شد.

درین روز پرافتخار، شهر کابل مظهر جنبش بی‌نظیر و پرهیجانی بود. تظاهرات عظیم با موجی از پرچم‌ها و شعارها و فریادهای گرم و آتشین کارگران، جوانان محصل، شاگردان معارف، اصناف و اهالی شهر و روشنفکران مترقی که به رهبری جریان پیشتاز دموکراتیک خلق افغانستان و در تحت پرچم گلگون و پرافتخار طبقه دوران‌ساز کارگر صورت گرفت، الهام‌بخش آرزوهای بزرگ و درخشانی برای به پیروزی رسانیدن جنبش آزادی‌بخش ملی و اجتماعی توده‌های ستمدیده خلق افغانستان بشمار می‌رود. کارگران قهرمان در پایان این روز بزرگ تاریخی، روز همبستگی آهنین

(ص ۲)

تشکیل جبهه ائتلافی

برای مبارزه انتخاباتی وظیفه مبرم و فوری ملی ماست!

در حال حاضر وظیفه مبرم و فوری ملی تمام افراد، محافل، گروه‌ها، سازمان‌ها و نیروهای ملی و دموکراتیك، ترقی‌خواه و وطن‌پرست عبارتست از تشکیل جبهه ائتلاف برای مبارزه انتخاباتی دوره سیزدهم شوری، برای بسیج کردن مردم افغانستان به خاطر شرکت در انتخابات، برای تضعیف جبههٔ نامقدس طبقات ارتجاعی حاکم و خنثی ساختن دسایس و توطئه‌های محافل ارتجاعی و شبکه‌های فتنه‌گر خارجی در جریان مبارزه انتخاباتی.

اشتباه بزرگی خواهد بود هرگاه یکی از افراد، محافل، گروه‌ها، سازمان‌ها و نیروهای ملی و دموکراتیك ترقی‌خواه وطن‌پرست به‌غلط دشمن عمده را در وضع کنونی بنا بر خودخواهی‌ها و اختلافات درونی و بلندپروازی‌های شخصی و یا سازمانی و تحریك دشمنان داخلی و خارجی ملت افغانستان از میان خود تعیین نمایند و همدیگر خود را در جریان مبارزه انتخاباتی خنثی سازند و درنتیجه باعث پیروزی محافل ارتجاعی در انتخابات شوری گردند.

تا جایی که به جریان دموکراتیك خلق افغانستان مربوط است، با شجاعت و صراحت و صداقت کامل آمادگی خود را برای هرگونه مفاهمهٔ رفیقانه، صمیمانه و دوستانه و گذشت‌های لازم اصولی در باره چگونگی شرکت در مبارزه انتخاباتی، در باره شکل و خصوصیت جبهه ائتلافی، در باره عمل مشترک، پلتفرم مشترک و مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک، در باره تقسیم درست و ثمربخش حوزه‌های انتخاباتی اعلام می‌دارد.

هر چه دیر نشده است باید جرگه‌های مشورتی خود را مطابق به سنن عالیه ملی کشور تشکیل داد.

در غیر آن عواقب ناشی از پراگندگی و نفاق میان عناصر واقعاً ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست به عهده نفاق افگنان و فتنه‌گرانی خواهد بود که خلق و ملت افغانستان آن را عفو نخواهد کرد و جریان دموکراتیک خلق افغانستان مطابق به اوضاع‌واحوال و پالیسی جاری انتخاباتی خود شجاعانه به‌پیش خواهد رفت.

(ج.د.خ.ا)

با دشنام و ناسزا نمی‌توان

حقایق را تحریف کرد

دستگیر پنجشیری

در شمارهٔ ۸ تاریخی ۷ ثور ۱۳۴۸ جریدهٔ پیام وجدان مضمون بدون امضائی تحت عنوان «توضیح مختصر بر نشریهٔ تاریخی اول ثور ۱۳۴۸ پرچم» انتشاریافته که در آن نویسندهٔ مقاله مذبوحانه تلاش کرده است که ضمن یك سلسله دشنام‌ها و اتهامات بی‌پایه، حقایق و واقعیات را تحریف کند و قلب ماهیت دهد و دست به سندسازی زند.

مادر پی آن نیستیم و نمی‌خواهیم که با دشنام‌ها و ناسزاگوئی‌ها مقابله نماییم؛ زیرا اصول و اخلاق مترقی چنین اجازه‌ای را بما نمی‌دهد. ولی ازآنجاکه متأسفانه موضوع بر ما تحمیل گردیده است، اصولاً ناگزیرم که برای رفع سوءتفاهم، با در نظر داشتن اوضاع و احوال کنونی، بسیار به‌اختصار و با ملاحظه، چند نکته قابل توجه آن را رد کنیم.

در مورد این ادعای بی‌پایه مندرج در مضمون «توضیح مختصر...» که «اختلافات بین نور محمد تره کی و ببرک ازآنجا شروع می‌شود که ببرک نمی‌خواست جریدهٔ خلق نشر شود و تره کی می‌خواست که نشر شود.» باید به قطعیت تمام گفت: هرگاه نویسنده «توضیح مختصر ...» واقعاً به رهبری دسته‌جمعی طبق اصول زرین مرکزیت دموکراتیك معتقد و بجهان بینی علمی و ایدئولوژی مترقی وفادار باشد، اعتراف خواهد کرد که جریان دموکراتیك خلق افغانستان در اثر تصمیم دسته‌جمعی توانست جریدهٔ خلق ناشر افکار دموکراتیک خلق را انتشار دهد.

بازهم می‌توان گفت که اگر شاغلی نویسنده «توضیح مختصر ...» تصمیم دسته‌جمعی واصل مرکزیت دموکراتیك را مدار اعتبار می‌داند و بدان اندکترین اعتنائی دارد، ما اکثریت قاطع تصمیم‌گیرندگان در مسأله نشر جریدهٔ خلق، بی‌هراس اظهار می‌داریم و شاهد زنده‌ایم که ببرک (کارمل) از حامیان سرسخت و

(ص ۲)

تظاهرات عظیم و شکوهمند در تحت پرچم ظفر آفرین جریان

دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت اول ماه می

روز (۱۱) ثور با برگزاری مراسم جشن اول می، روز همبستگی کارگران جهان، شهر کابل شاهد تظاهرات پرشکوه، میتینگ‌های باعظمت، شعارها و بیانیه‌های پرشور کارگران آگاه، روشنفکران، محصلان و متعلمان مترقی پسران و دختران و اصناف و اهالی وطن‌پرست شهرها و سایر نیروهای ملی و مترقی کشور به استقبال این روز فرخنده دیدنی بود.

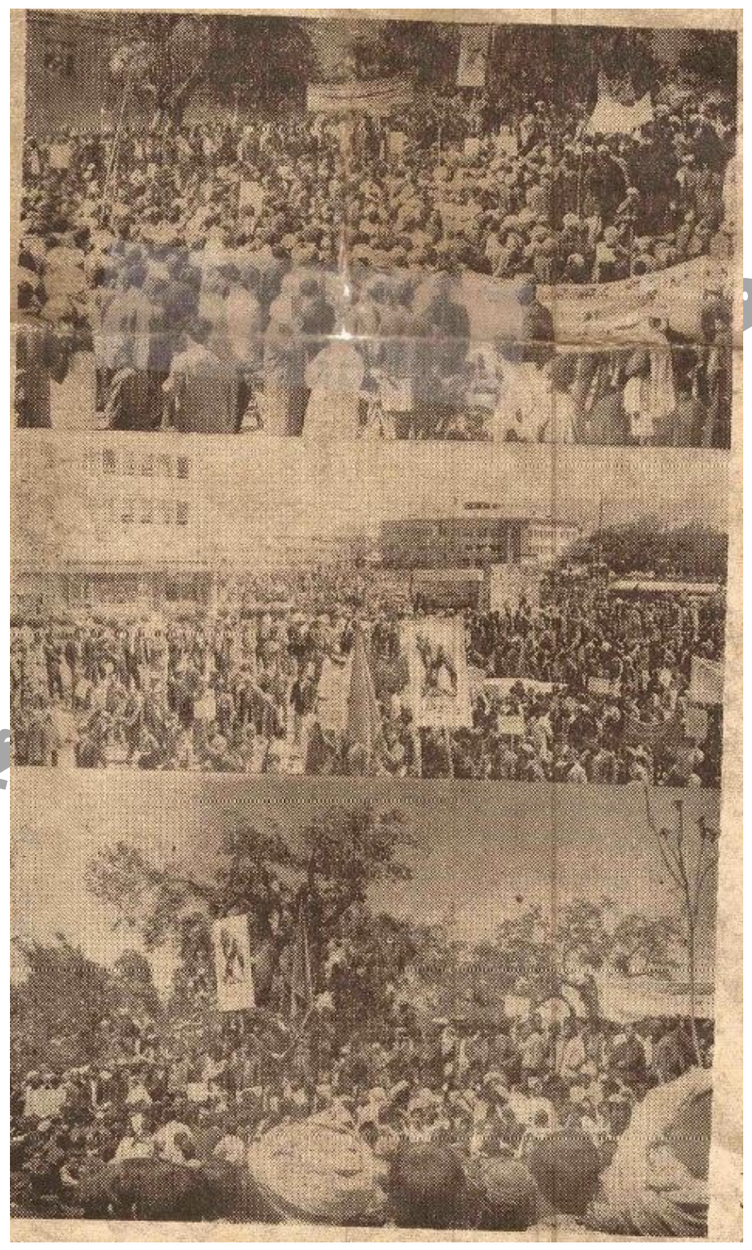
در حدود ساعت هشت قبل از ظهر روز مذکور موج‌های خروشانی از تظاهرکنندگان با پرچم‌های گلگون، شعارهای رنگین و فریادهای لرزاننده از پوهنتون و انستیتوات پولی تخنیک کابل، مراکز تعلیمات عالی، لیسه ها و بنوونځی‌های مرکز به پیشاهنگی کارگران آگاه دلیر و باشعور به جاده‌های کابل سرازیر گردید و سرانجام به‌استثنای یکی دو موج کوچك، دیگر تمام موج‌های آن به هم پیوست و سیل عظیمی از هزاران نفر را تحت پرچم ظفرنمون جریان دموکراتیک خلق افغانستان تشکیل داد.

غریو این سیل خروشان در فضای شهر پیچید و بعد از پیمودن جاده‌های مرکزی شهر و ایجاد میتینگ‌های پرجلال در نقاط پرجمعیت، مقارن ساعت 6 شام در میان فریادهای گرم و آتشین و ابراز احساسات جوانان مبارز با صدور قطعنامه‌یی از طرف نمایندگان شجاع و رزمنده طبقه دوران‌ساز کارگر، با هلهله و کف زدن‌های ممتد و پرشور، با حرارت و هیجان‌انگیز تظاهرکنندگان پایان یافت.

در جریان تظاهرات تابلوی شکوهمند سمبول ارادهٔ کارگر که در زیر آن جملهٔ «کارگر زنجیر شکن» به خط درشت جلب نظر می‌کرد، بدوش جوانان پیشتاز و در تحت پرچم مبارز دموکراتیک خلق افغانستان، این نیروی پیشاهنگی طبقه کارگر کشور شکوه و جلال وصف‌ناپذیری داشت و همچنان شعارها و پلاکارت‌هایی به‌وسیلهٔ تظاهرکنندگان حمل می‌شد که به عظمت مظاهرات می‌افزود و در آن‌ها شعارهای زیرین چشم می‌خورد:

- درودگرم به طبقهٔ کارگر افغانستان!
- ـــ پیاوړی دی وی د افغانستان د کارګری طبقی یووالي!
- ـ فرخنده باد جشن اول ماه می روز همبستگی کارگران جهان!
- ـــ مستحکم باد اتحاد و همبستگی رزمندگان آزادی‌خواه به خاطر استقلال، دموکراسی، آزادی و ترقی.
- ـ مردم آزادی، نان، لباس منزل، دوا و سواد می‌خواهند!
- ـ سرنګون باد فئودالیزم!
- ـ مرده باد استبداد، ارتجاع و ستم ملی!
- ـ سرنګون باد امپریالیزم دشمن عمده خلق‌ها!
- ـ درود پرشور بر خلق قهرمان ویتنام! مرګ بر امپریالیزم!
- ـ پیروز باد مبارزهٔ خلق‌های عرب! نفرین بر تجاوزکاران اسرائیل!
- ـ روز اول می، روز جشن کارگران جهان باید در افغانستان به رسمیت شناخته شود!
- ـ کارګران بیکار، کار می‌خواهند؟
- ـ زندانی کارګران دی خوشی شی!
- ـ اتحادیه‌های کارګری باید تشکیل شود!
- ـ کاریګران کار او بزګران ځمکی غواړی!

(ص ۳)



سه صحنه از مظاهرات و متینگ های جریان دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت روز اول می در شهر کابل

شانتاژ و سندسازی یا کانگستریزم سیاسی

بارق شفیعی

شانتاژ یا بلك میل (تهدید)، اصطلاحی‌ست حقوقی که یکی از جنایات بسیار جدی بشمار می‌رود. شانتاژ در لسان عادی و معمول عبارت است از به دست آوردن پول و یا دیگر منافع پلید از طریق تهدید به افشای معلومات غیراخلاقی و غلط، ارائه اسناد جعلی و یا افشا کننده علیه مقام معنوی شخص موردنظر، یا تهدید اشخاص به از بین بردن جان، مال و حیثیت شان از طریق اعمال تشدد. در جهان غرب مخصوصاً امریکا کانگسترها و جنایتکاران حرفوی اهداف غارتگرانهٔ شان را به‌وسیله شانتاژ (تهدید) به دست می‌آورند.

این اصطلاح خارج از قلمرو حقوقی، در مبارزات سیاسی نیز مورد استعمال و استفاده قرار می‌گیرد. مبارزان تیپ کانگسترها، سازمان‌های جاسوسی سی آی ای و دار و دسته‌های سیاسی وابسته به آن‌ها نیز اهداف و مقاصد سیاسی‌شان را از طریق شانتاژ و تهدید به وسایل پست و همچنان تهدید نیروهای مخالف و عناصر ترقی‌خواه وطن‌پرست، من‌جمله به‌وسیله ارائه »اسناد «و اسناد سازی تعقیب می‌نمایند.

در کشور ما نیز شانتاژ سیاسی از طرف شبکه‌های جاسوسی امپریالیستی و ارتجاع داخلی سابقه طولانی دارد و صدها تن از جوانان وطن‌پرست و زحمتکشان کشور به این وسیله قربان شده‌اند. بنا بر آن تعجبی ندارد که درین اواخر باز این شیوه در کشور ما به شکل بی‌شرمانه‌ای شدت گرفته است و هستند دار و دسته‌هایی که بنا بر خصلت خویش، در برابر عناصر ملی و ترقی‌خواه وطن‌پرست، در پهلوی بکار بردن ده‌ها وسیله پست و ناجوانمردانه دیگر، از سلاح خیانت کارانه شانتاژ نیز به کمال وقاحت و دیده درآیی استفاده می‌نمایند.

دسته‌های به‌اصطلاح «مترقی» و خلقی نماهای دروغین و خودساخته پیوسته تهدید می‌کنند و ادعا می‌نمایند که اگر به مقاصد ناپاک سیاسی و خواست‌های غیراصولی آن‌ها تن داده نشود، اگر فلان یا بهمان شخص به اساس دستور ایشان به «عقب نرود»، اگر جریان دموکراتیک خلق افغانستان از نام و نشان خود نگذرد و بالاخره هرگاه در برابر همه هتاکی‌ها، فحش و ناسزاگوئی‌های آن‌ها مهر سکوت بر لب زده نشود، آن‌ها «اسناد دارند!»، آن‌ها «اسناد خواهند کشید! » و ده‌ها مطلب دیگر. اکنون دیگر کار بجایی کشیده که سند سازی و سند کشی و ده‌ها افشاگری خائنانه دیگر به شیوه کانگسترهای امریکایی بر ضد شخصیت‌های مخالف سیاسی و عناصر صدیق و پاکدامن ملی و مترقی سلاح «ارجمند» کانگسترهای سیاسی ما گردیده است و آن‌ها در تلاش برای به دست آوردن مقاصد سیاسی‌شان پابند هیچ اصول و هیچ قاعده اخلاقی مترقی نیستند. آن‌ها برای حصول مقاصد و هدف‌های سیاسی خویش به شیوه ماکیاولی از استعمال هیچگونه وسیله پست و پلید رو نمی‌گردانند.

آن‌ها بیش از هر چیز دیگر پراگماتیست و کاریکاتور اپورتونیست‌ها هستند. آن‌ها با این شیوه غیراصولی مبارزهٔ خویش بهترین وسیله برای پیشبرد اغراض نا پاك ارتجاع و سازمان‌های جاسوسی امپریالیزم بین‌المللی در بین نهضت دموکراتیك و ملی کشور می‌باشند. توسط همین تیپ عناصر و گروه‌های سیاسی است که تفرقه و انشعاب در بین جنبش‌های ملی و دموکراتیك مترقی جهان و کشور ما عمیق‌تر و وسیع‌تر شده می‌رود و این درست خواست ارتجاع و امپریالیزم جهانی‌ست و توسط همین عناصر است که سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و ارتجاع داخلی به استفاده‌های سوء از دستاوردهای ساینس و تکنالوژی معاصر اسناد ساختگی، دستنویس‌ها، مونتاژ عکس‌ها Tخط‌ها و امضاهای جعلی شخصیت‌های ملی و مترقی را به‌منظور بدنام ساختن آن‌ها و ایجاد سوءتفاهم در داخل جمعیت‌ها، احزاب و دسته بندی‌های سیاسی، توأم با

(ص ۳)

درین اواخر در مطبوعات دولتی و برخی از نشرات ظاهراً غیردولتی راجع به احداث مؤسسات صنعتی کوچك و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی تبلیغاتی صورت می‌گیرد و مطالبی تلقینی نشر می‌گردد، به این مفهوم که برای افغانستان تنها صنایع کوچك متکی به مواد خام زراعتی مفید و ممکن است و بس. درین نشرات پیشنهادهای تشویق‌آمیزی برای حکومت دربارهٔ جلوگیری از ایجاد مؤسسات بزرگ تولیدی، عدم استفاده از مواد معدنی در داخل کشور و در عوض فروش آن به‌طور خام در کشورهای دیگر، با پیش کشیدن دلایل بسیار سطحی، غیرمعقول، بی‌پایه و ضد منافع ملی، ارائه می‌گردد. ازآنجایی‌که ممکن است ماهیت واقعی چنین نظرات و پیشنهادها برای هموطنان ما کاملاً روشن نباشد، ما بر این موضوع مختصراً روشنی می‌اندازیم.

هموطنان ارجمند ما مطلع‌اند که پس از تکمیل پلان پنج‌ساله دوم، در حین تدوین به‌اصطلاح پلان پنج‌ساله سوم از طرف حکومت وقت، یك سلسله نظرات ابتکاری (!) طرح گردید مبنی بر اینکه افغانستان »زیربنای « اقتصادی جامعه را تکمیل کرده و یا به پیشرفت‌های بزرگی (!) درین خصوص نایل آمده است؛ بنا بر آن ضرورت به بذل توجه بیشتر و عمیق‌تر درین زمینه دیده نمی‌شود، بلکه باید در عوض »پروژه‌های کوچك سریع الثمر اقتصادی، اعم از صنعتی و زراعتی احداث گردد. بر اساس این »تئوری «اقتصادی خودساخته و غیرعملی، اقتصاددانان بنام (!) و بلندگویان طبقهٔ حاکمه جاروجنجال زیادی را به راه انداختند و جهت تقویت این نظریه بکر و خلاق (!) دلایل زیادی تراشیدند و من‌جمله اینکه یگانه عامل تمایل انفلاسیونی در جامعه ما احداث پروژه‌های بزرگ ساختمانی و تولیدی و استخدام بالنسبه وسیع‌تر می‌باشد. ایشان راه خروج ازین وضع را جلو گیری از پیشرفت در امر ساختمان بنیانی جامعه و عدم استخدام تجویز فرمودند.

تصادفی نیست که چنین نظرات و پیشنهادها از طرف بلندگویان هیأت حاکمه افغانستان که خود را پیرو نظرات اقتصاددانان بورژوازی می‌شمرند، ارائه می‌گردد، زیرا اصلاً مسأله صنعتی ساختن کشورهای کم رشد در میان دانشمندان بورژوازی، رهبران سیاسی دول سرمایه داری و مطبوعات غربی طرفداری ندارد، بلکه برعکس در اسناد رسمی و تعدادی بی‌شماری از مقالات در مطبوعات غربی به‌آسانی می‌توان مشاهده کرد که چگونه برای بی‌اعتبار ساختن نظرات و پیشنهادهای مربوط به صنعتی ساختن این کشورها، مذبوحانه تلاش می‌گردد. اقتصاددانان غربی سخت می‌کوشند برای موجه جلوه دادن تقسیم کار جهانی سرمایه داری مبنای تئوریکی دست‌وپا نمایند تا بر اساس آن کشورهای کم رشد آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین - عمدتاً به حیث صادر کننده مواد خام برای کشورهای سرمایه داری باقی بمانند و یا بعضاً مواد معدنی را استخراج کرده و به‌صورت خام به کشورهای مزبور در برابر اموال ساخته شده بفروشند. هدف تمام این تلاش‌ها بر پایه هرگونه استدلالی که قرار داده شود، معلوم است و آن جلوگیری از رشد صنعتی این کشورها و به تعویق انداختن پروسهٔ صنعتی شدن آن‌ها می‌باشد.

ضرورت به اثبات ندارد که پیشرفت یك کشور بستگی به تولید مادی دارد و تولید ثروت‌های مادی‌ست که نقش تعیین کننده را در سرتاسر تاریخ بشریت در امر تکامل جامعه ایفاء کرده است. رشد و تکامل دانش بشری نیز تا حدود زیادی متکی بر ترقی تولید مادی می‌باشد. باید گفت که در امر تولید ثروت‌های مادی سهم و مقام اول متعلق به صنایع است و سطح رشد صنعتی یك کشور درجهٔ استقلال اقتصادی آن را نشان می‌دهد.

با ملاحظه حقایقی که مختصراً ارائه گردید، هموطنان ما می‌توانند قضاوت نمایند که ریشه این نظرات که افغانستان صرف در طریق رشد زراعتی و یا فقط احداث چند موسسه کوچک صنعتی باید گام بگذارد، از ایجاد مؤسسات بزرگ تولیدی احتراز جوید و مواد خام معدنی خود را به خارج صادر نماید، از کجا آب می‌خورد. شگفت‌انگیزتر اینکه زمزمه‌ها اکنون به اظهار نظر روشن تبدیل گردیده و به‌طور برهنه و با پرروئی پیشنهاد می‌گردد که ما باید آهن خام خویش را به خارج و آن‌هم به پاکستان بفروش برسانیم و در عوض اجناس ساخته شده و من‌جمله بعضی آلات و ماشین‌های زراعتی را از آن کشور وارد نماییم.

ما بارها گفته‌ایم که بنا بر نفوذ و سرمایه گذاری وسیع امپریالیستی در دو کشور همسایه ما ایران و پاکستان، به‌طور روز افزونی افغانستان به بازار فروش اموال آن‌ها بدل می‌گردد. بجای اینکه مایه خجالت محافل حاکمه ارتجاعی کشور شمرده شود و بر آن‌ها اعتراض گردد که چرا افغانستان باوجود منابع سرشار طبیعی خویش، از لحاظ اقتصادی عقب مانده نگه‌داشته شده و جلو رشد صنعتی آن عمداً گرفته می‌شود؟ پیشنهادهایی از قبیل فروش آهن خام حاجی گك به پاکستان ارائه می‌گردد.

سؤال مهم درین جاست که چرا حکومت افغانستان در احداث فابریکه ذوب آهن تعلل به خرچ می‌دهد و این امر را کاملاً مسکوت مانده است؟ در حالی که در طی پلان دوم معدن بزرگ آهن حاجی گك، فیصدی کافی آهن و ذخایر سرشار آن تثبیت شده و طرح اقتصادی آن نیز تنظیم گردیده است. دلایل عمده برای این تعلل شاید قلت پول و پرسونل ماهر و بازار محدود داخلی و بهانه‌های دیگر ازین قبیل باشد، ولی تجربه بسیاری از کشورهای دیگر ثابت کرده است که این عوامل مانع ایجاد صنایع آهن و فولاد در کشور نمی‌گردد، زیرا طرق حل این پرابلم ها طوری که در نشرات سابق خود مطابق به‌حقایق و ارقام ثابت کرده‌ایم وجود دارد.

در اخیر باید تصریح کرد، ما در حالی که به‌هیچ‌وجه نه تنها مخالف ایجاد صنایع متوسط و خفیف استهلاکی در کشور نیستیم، بلکه رشد وسیع، موزون و همه جانبه آن را خارج از نفوذ سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی، طبق پلان متمرکز و تحت کنترول، موازی و هم آهنگ با احداث صنایع سنگین می‌خواهیم و آن را مفید میدانیم و درین مورد قبلاً تحلیلات علمی و عمیقی در پرچم ارائه گردیده است. ولی معتقدیم همان‌طوری که صنایع سنگین یا به عبارهٔ دیگر صنایع اساسی تهداب رشد اقتصادی هر کشور را تشکیل می‌دهد و شرط اساسی استقلال اقتصادی آن شمرده می‌شود، کشور ما نیز بدون صنایع اساسی بالنسبه رشد یافته و متنوع نمی‌تواند از لحاظ اقتصادی خود را کاملاً مستقل بداند. ضرورت ایجاد صدها پروژهٔ عظیم ساختمانی، مؤسسات بزرگ اقتصادی و صنایع کلیدی که حیثیت مادر و زاینده صنایع دیگر را دارد و عامل اساسی برای رشد وسیع زراعتی کشور شمرده می‌شود، بر پایه بهره برداری از منابع طبیعی سرشار و ذی‌قیمت داخلی، هم اکنون در افغانستان موجود است و این ضرورت علی رغم ادعای بلندگویان طبقه حاکمه کشور، به‌هیچ‌وجه منتفی نگردیده است. لذا استقلال اقتصادی وطن ما مستلزم تغییرات عمیق اجتماعی - اقتصادی مانند ملی کردن مؤسسات بزرگ و مهم تولیدی و مالی، ایجاد صنایع مستقل داخلی، ملی کردن تجارت خارجی و طرد کامل هر گونه نفوذ اقتصادی و نمایندگی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کشورهای امپریالیستی و وابسته می‌باشد.

سلطان‌علی کشتمند

پیشنهاد فروش آهن خام حاجی کگ

به پاکستان، یعنی چه

(دلمړی مخ پاتې)

په کابل کې د می د لومړۍ ...

زیارایستونکو په کې ګډون کړی وو وروسته تر هغه چه دښار په لویو واټونو وګرځیدلی او په هر ځای کی یی میټنګونو دایر او ټاوده تقریرونه وکړل، دا فیصله لیك صادر شو.

- د کارګرو د جشن په عنوان دمی دورځی د په رسمیت پیژندل کیدو دپاره خپلو نه ستریدونکومبارزو ته ادامه ورکوو.

- تسلیم طلبان، سازشکاران، ابن‌الوقتان، ماجراغوښتونکی او دروغی انقلابیګران د تل دپاره له خپلو صفوفو څخه شړو. - دکارګرو له طبقی سره به دبزګرو، کسب ګرو، روشنفکرانو، دمترقي او وطن پالونکو محصلانو او زده کوونکو د لا زیات اتحاد او پیوستون دپاره په خپلو نه شلیدونکو مبارزو ته دوام ورکوو.

- ددموکراتیکو حقوقو او آزادیو د تأمین په خاطر دفیوداليزم او امپریالیزم ضد، آزادی ښونکی ملی او اجتماعی نهضت دسر ته رسولو دپاره خپلو بی‌امانه مجاهدو ته دوام ورکوو.

- دژوند له لګښتونو سره متناسب د لاس مزدونو دزیاتولو، دصحي او اجتماعی بیمو دتأمین، د کار او کارګر دمترقی اودموکراتیك قانون دتدوین، دهیواد د ټولو کارګرو دصنفي او اجتماعی حقوقو دلاس ته راوړلو، دکارګری او صنفی اتحادیو دتاسیس دپاره خپلو پرله پسی مبارزو ته دوام ورکوو.

- دضد دموکراتیك تعقیباتو، له کار څخه دکارګرو داخراج، دښوونځیو دشاګردانو له زده کړی څخه دطردولو په ضد جداً اعتراض کوو، له بی روزګارو څخه ملاتړ او د بیکاری په ضد مبارزه کوو.

دکارګرو، دنجات، غازي اوحبیبی د لیسو د شاګردانو اووطن پرستو ښوونکو د ژر ترژره خلاصون غوښتنه کوو.

- دویتنام په قهرمان ولس باندی دامریکی د امپریالیزم تیری په کلکه د سره محکموو.

- په منځني ختیځ کی داسرائیلو او دهغو دامپریالستی حامیانو لمسوونکی فعالیتونه جداً غندو، په پای کی دملتونو ترمنځ دسولی او دوستی داستقرار په خاطر، دهر دول ظلم او ستم په ضد، داستعمار د ټولو شکلونو په ضد، دټولی نړی دخلکو دملي او اجتماعی نجات دپاره د خپلو پرله پسی مبارزو اعلان کوو.

- تا و ده درودونو دافغانستان دکارګرو طبقی ته!

- ټینګ دی وی د کارګرو دطبقی نه ماتیدونکی یوالي!

- بریالی دی وی دافغانستان دکارګرو او ټولو خلکو مقدسه مبارزه، دسولی، ملی خپلواکی، دموکراسی، اجتماعی تر قی او هوسایی دپاره.

- لوړ دی وی د خلك پرچم، ژوندی دی وی دافغانستان دخلك دموکراتیك جریان.

- ښاد دی وی دمی دلومړی ورځی جشن، دنړی د کار ګرو او زیارایستونکو د پیوستون ورځ!

از (ص اول)

قطعنامه تظاهرات جشن اول ...

کارگران سراسر جهان، روز پیشاهنگان جنبش ملی و مترقی کشور بعد از آنکه با اتحاد و پشتیبانی بی‌سابقه روشنفکران و محصلان و متعلمان، اعم از دختران و پسران سرسپرده و وطن‌پرست، پیشه‌وران، زحمتکشان و اهالی شهر کابل که تعداد آن‌ها به هزاران نفر میر سید، به تظاهرات و نمایش‌های عظیم و شانداری در جاده‌های شهر پرداختند و در ده‌ها مرکز پرجمعیت شهر میتینگ‌های باشکوه و پرحرارتی تشکیل دادند و بیانیه‌های پرشوری ایراد کردند، قطعنامه زیرین را صادر می‌نمایند:

- برای به رسمیت شناختن روز اول می به‌عنوان «روز جشن کارگران» کشور، به مبارزات خستگی ناپذیر خویش ادامه می‌دهیم،

- تسلیم طلبان، سازشکاران، ابن‌الوقتان، ماجرا جویان و انقلابیگران دروغین و همچنان تفرقه‌اندازان و انشعاب گران فتنه انگیز را برای همیشه از صفوف رزمنده خویش طرد می‌نماییم،

- برای اتحاد و همبستگی بازهم بیشتر و خلل ناپذیر دهقانان و پیشه‌وران، روشنفکران، محصلان و متعلمان ترقی‌خواه و وطن‌پرست با طبقه پیشاهنگ کارگر کشور، مبارزات پیگیر خود را دنبال می‌کنیم،

- به خاطر تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و به سرانجام رسانیدن جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی ضد فئودالیزم و ضد امپریالیزم، نبرد بی‌امان خویش را دوام می‌دهیم،

- برای بلند بردن سطح دستمزدها متناسب به مخارج زندگی، تأمین بیمه‌های صحی و اجتماعی، به وجود آوردن قانون دموکراتیك و مترقی کار و کارگر و به دست آوردن حقوق صنفی و اجتماعی همه کارگران کشور و ایجاد اتحادیه‌های صنفی و کارگری مبارزات پیگیر خویش را تعقیب می‌نماییم،

- علیه تعقیبات ضد دموکراتیك و اخراج کارگران از کار و طرد شاگردان مکاتب از تحصیل جداً اعتراض و با حمایت از بیکاران و بر ضد بیکاری مبارزه می‌نماییم،

- رهایی هرچه زودتر کارگران و شاگردان لیسه‌های نجات، حبیبیه و غازی و معلمین وطن‌پرست را جداً مطالبه می‌کنیم،

- تجاوزات امپریالیزم امریکا را بر خلق قهرمان ویتنام شدیداً محکوم می‌نماییم،

- فعالیت‌های تحریک آمیز اسرائیل و حامیان امپریالیستی‌شان را در شرق میانه جداً تقبیح می‌کنیم،

و در فرجام به خاطر استقرار صلح و دوستی بین ملل و علیه هر نوع: ظلم و ستم، تمام اشکال استعمار و به‌منظور نجات ملی و اجتماعی خلق‌های سراسر جهان دوام مبارزات پیگیر و بی‌امان خویش را اعلام می‌داریم،

- درود گرم به طبقه کارگر افغانستان!

- استوار باد وحدت آهنین طبقه کارگر!

- پیروز باد مبارزه مقدس کارگران و تمام خلق افغانستان برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی و رفاه اجتماعی

- برافراشته باد پرچم خلق، زنده و پیروز باد جریان دموکراتیك خلق افغانستان این پیش آهنگ طبقه کارگر کشور!

- فرخنده باد جشن اول ماه می، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان.

از (ص اول)

با دشنام و ناسزا ...

مدافعان پرشور نشر اخبار سرتاسری افغانستان، خاصه جریدهٔ خلق بوده‌اند.

حقیقت مسأله را مبارزات فرکسیون پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغانستان، بخصوص بیانیه‌های مستدل و منطقی وکیل ببرك (کارمل) به دفاع از جریده خلق و همچنان مقاله «وسایل و راه‌هایی که آرمان‌های خلق‌های ستمدیده افغانستان و مرام دموکراتیک خلق را به پیروزی می‌رساند» منتشرهٔ از شماره (۳) تا (۵) خود جریده خلق به قلم ببرك (کارمل)، به اثبات می‌رساند. چنانچه در قسمت اول این مقاله مندرج در شماره سوم به قلم ببرک (کارمل) چنین ثبت گردیده است: «پیشروان و مبارزان دموکراتیک خلق بعد از انفاذ فرمان تقنینی مطبوعات تصمیم بر آن گرفتند تا به‌منظور بیداری شعور اجتماعی و نجات خلق‌های مظلوم افغانستان از زیر ستم طبقات و محافل حاکمه و همبستگی محافل مترقی از حیث تشکیلاتی و ایدئولوژی از طریق تأسیس جریده سیاسی برای سراسر افغانستان آغاز به فعالیت کنند ...»

در ضمن بحث مفصل مبنی بر ضرورت ایجاد ارگان نشراتی، لزوم نشر جریده خلق و فورمولبندی وظایف تاریخی آن در پراگراف اخیر قسمت اول مقاله «وسایل و راه‌ها...» چنین نتیجه گیری شده است:

(اجمالاً این بود پاسخ منطقی و علمی که چرا جریدهٔ دموکراتیک خلق برای سراسر افغانستان تأسیس گردید...)

ما معتقدیم که پابرجاترین و ثقه‌ترین سند تاریخی‌ای که می‌تواند به این ادعاهای نادرست نویسنده «توضیح مختصر ...» در پیام وجدان پاسخ دهد، همانا نوشته‌های اصولی و علمی ببرك (کارمل) در جریدهٔ خلق می‌باشد که ما صرف به قسمتی از آن در بالا اشاره کردیم.

در مقالهٔ «توضیح مختصر» منتشره در پیام وجدان به شیوهٔ معمول ارتجاع و استعمار از طریق تهدید، به «سندی و دیگر اسناد» اشاره گردیده است که گویا به قلم من، چنانکه از طرف نویسنده «توضیح مختصر...» ادعا گردیده، نوشته شده باشد. در این مورد با صراحت باید گفت که اولاً چنین «سند» مجرد، ناقص، بدون سوابق، لواحق، توضیح تاریخ و بدون امضاء، تأیید و تصویب دسته‌جمعی و تحلیل وضع قطعاً نمی‌تواند به قلم من نوشته شده باشد. ثانیاً اگر اختلافی میان ببرك (کارمل) و نور محمد تره کی در زمینه نشر جریدهٔ خلق موضوع بحث شده بتواند، بعد از توقیف جریدهٔ خلق و تفتین ارتجاع می‌باشد که امکانات احیای مجدد و فوری جریدهٔ خلق را از میان برده بود. ببرک (کارمل) علاوه در دفاع جدی از جریدهٔ توقیف شدهٔ خلق، مجاهده برای نشر جریدهٔ دیگری را به‌مثابه ارگان نشراتی جریان دموکراتیک خلق مصرانه پیشنهاد می‌نمود. اما آقای نور محمد تره کی بنا بر ملحوظات بخصوص خودشان در برابر تأسیس ارگان نشراتی جدید جریان دموکراتیک خلق حساسیت نشان می‌داد و به آن جداً مخالفت می‌ورزید.

این‌ست موضوع مورد اختلافی که ما آن را تایید می‌کنیم، نه آن‌طوری که نویسنده «توضیح مختصر...» منتشره در پیام وجدان حقیقت را تحریف کرده است.

در مورد تدوین مرام نجات بخش دموکراتیک خلق افغانستان (با در نظر داشتن موازین اصولی) عجالتاً تنها این‌قدر خاطر نشان می‌گردد که به‌صورت قطع طرح اصلی و نهائی مرام دموکراتیک خلق از طرف بناغلی نور محمد تره کی تدوین نگردیده است. مرام دموکراتیک خلق منتشره در شمارهٔ اول و دوم جریدهٔ خلق در اثر کار و تصویب دسته‌جمعی مقام مسؤول و با صلاحیت به وجود آمده است و مرام مشترک جریان دموکراتیک خلق افغانستان و تمام عناصر و گروهایی است که به آن اعتقاد دارند.

همچنان مطالبی دور از حقیقت و انصاف و اخلاق مبارزه مترقی به مدیر مسؤول جریدهٔ توقیف شده خلق از طرف نویسنده «توضیح مختصر...» نسبت داده شده است که من‌جمله گویا مدیر مسؤول با قبول مسؤولیت مدیریت جریده خلق «نفع مادی زیادی برده و یکسال معاش از حساب خلق اخذ کرده است.» واقعیت امر اینست که مدیر مسؤول از آنجائی که به‌طور فداکارانه و حرفه‌ای کار می‌کرد، مدتی جریان دموکراتیک خلق افغانستان برای حد اقل امرار معیشت او و خانواده‌اش معاش پرداخته است که این امر باعث افتخار او می‌باشد و اینکه بناغلی نویسنده «توضیح مختصر ...» منتشره در پیام وجدان آن را نادرست وانمود می‌کند، پس چنین توجیهی بیشتر متوجه آقای صاحب امتیاز می‌گردد که از محل معاش‌های فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق برای مدتی به‌مراتب طولانی‌تر به مقادیر بیشتر معاش گرفته است.

این موضوع را که در «توضیح مختصر ...» منتشره در پیام وجدان خارج از چوکات اصول مترقی اتهام زده می‌شود که مدیر مسؤول «تجارت سیاسی» می‌نماید و... می‌گذاریم به قضاوت سلیم هموطنان و بخصوص اهل خبره که بیوگرافی و حیات عملی مدیر مسؤول و «صاحب امتیاز» جریدهٔ خلق را مطالعه نمایند که کی اپورتونیست بوده و هست و کدام یك از آن‌ها در حیات سیاسی خویش تجارت سیاسی کرده‌اند؟! این موضوع آن‌قدر روشن است که ما ضرورت به تشریح بیوگرافی‌ها نداریم و نمی‌خواهیم در انحراف خرده کاری‌های کودکانه بلغزیم و دشنام و ناسزا را با دشنام و ناسزا پاسخ دهیم.

فریاد اعتراض اهالی ایکه

منازل شان در مسیر سالنگ واټ تخریب می‌شود

خانه‌های مسکونی و زمین‌های زراعتی ما که غیر از آن سرپناهی و وسیله‌یی برای ادامه زندگی و تأمین نداریم، در مسیر سالنگ، واټ که از جاده محمد جان خان آغاز و حصهٔ اول آن به باغ عمومي زنانه واقع پروان مینه منتهی می‌شود، واقع گردیده و بنا بر تصمیم فوری و عجولانه بناروالی کابل زیر تخریب گرفته شده است. ما با احداث جاده‌های عصری و سرک‌های مدرنی که بتواند مناطق مختلف شهر را به هم وصل کند و در استقرار روابط مدنی بین همشهریان عزیز مؤثر باشد نه تنها مخالفت نداریم، بلکه آن را از ضروریات زندگی شهری در قلب کشور عزیز خویش میدانیم، ولی آنچه ما را به ابراز عکس‌العمل اعتراض آمیز درین زمینه وادار می‌سازد اینست که اولاً پلان اساسی ایکه درین قسمت طرح و تثبیت شده عملی نگردیده و به‌حسب تمایل چند نفر سرمایه دار صاحب قدرت و نفوذ از چندین جا و خلاف نقشه از مسیر اصلی انحراف داده شده است و هنوز هم خط سیر واقعی آن تثبیت نگردیده، ثانیاً قبل از تثبیت نهائی خط سیر جاده و قناعت صاحبان زمین‌ها و خانه‌های قابل تخریب به بر آورد بناروالی و همچنان قبل از تثبیت قیمت‌ها و قبولی اهالی و تأدیه آن به صاحبان منازل و زمین‌های مذکور و یا اخذ قباله و دادن سرپناهی بجای آن برای اهالی بی‌سرپناه، به تخریب آن آغاز کرده‌اند و عجیب‌تر اینکه با نشر اخبار دروغین در رادیو و مطبوعات دولت با پرروئی اعلان نمودند که مردم موافقه کرده و پول پیشکی هم گرفته‌اند. ثالثاً باید توضیح کرد که ما اهالی بی‌دفاع این منطقه نه تنها پول پیشکی نگرفته‌ایم، بلکه به قیمت گذاری ظالمانه بناروالی نیز قناعت نداریم، زیرا قیمتی را که به زمین‌های ما قایل شده‌اند في متر پنجاه تا دو صد افغانی است، در حالی که خود بناروالی همین زمین‌ها را به‌عنوان اضافات دو طرفه سرک در معرض داوطلبی گذاشته و به قیمت في متر (۱۱۷۰۰) افغانی حاضر بفروش نمی‌باشند. معهذا ای کاش تنها بناروالی کابل بتواند ازین پول سرشار به نفع خدمات عامه استفاده کند، بلکه این زمینه دیگریست برای ارباب سرمایه و صاحبان نفوذ تا آن را از دستی به دستی تحویل دهند و به قیمت فقر و در بدری صاحبان اصلی آن به حجم سرمایه‌های بی‌حساب خویش بیفزایند و بدین‌ترتیب فقیر را فقیرتر و ثروتمند را ثروتمندتر سازند.

ظالمانه‌تر اینکه بناروالی کابل زمین‌های ما را در نفس شهر و در بهترین موقعیت في متر (۵۰) افغانی قیمت گذاری می‌کند و اما آنچه در عوض آن بما عنایت (!) می‌فرماید، زمین‌های خشك، بیابانی، فا قد آب و برق و امنیت و دور از شهر کوتل خیرخانه است که في متر (یکصد) افغانی بر آن قیمت گذاشته‌اند.

این بود عرض حال ما به جریده پرچم. اگر با این هم به حال ما نپردازند آنگاه مجبوریم به‌عنوان اعتراض علیه این روش غیرعادلانه بناروالی کابل در ملاء عام و در برابر عمارت کابل بناروالی خیمه زنیم وزن و فرزند آواره خود را به آنجا انتقال دهیم.

(محل امضای عده‌یی از اهالی)

تبلیغات زهرآگین پخش و توزیع می‌نمایند.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان از آغاز کار خود تاکنون با یک نوع شانتاژ سیاسی از طرف این عناصر و اربابان آن‌ها مواجه می‌باشد. آن‌ها به غرض تبرئه گناهان خود، به‌منظور پرده انداختن بروی ارتباطات خود و بالاخره به خاطر »تثبیت «خود از هیچ عملی علیه جریان مادر، جریانی که آن‌ها را در آغوش خود پرورانیده و غسل تعمید و پاکی داده، ابا نمی‌ورزند. آن‌ها برای بدنام و بی‌اعتبار ساختن جریان دموکراتیك خلق افغانستان، پرچم خلق و مبارزان دموکراتیک خلق، از خود جریان «خلق» می‌کنند. آن‌ها بدون توجه به فردا، فردایی که حتماً آمدنیست، بدون اعتنا به مسؤولیت‌های که در برابر جریان، نهضت و مردم افغانستان دارند، صرف برای «تثبیت» نام خود با هرکس و حتی راست‌ترین آشیانه ارتجاع، کنار می‌آیند و از هر جا صدا می‌کشند. آن‌ها حاضرند برای نام کشیدن و تثبیت شدن خود به حیث «جریان» همه چیز را بپذیرند و هم هیچ چیز را نپذیرند، به هر عمل انحرافی دست زنند و هیچ عمل اصولی نکنند. اینست وضع اسف‌انگیز این «رفقای» نیمه راه! وضعی که به هیچ کس به‌اندازه خود آن‌ها مضر نیست، وضعی که به هیچ کس جز ارتجاع و امپریالیزم سودی ندارد.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان بر اساس جهان بینی علمی خود از واقعیت‌ها انکار نمی‌کند. همان طوری که جمعیت دموکراتیک خلق افغانستان یك حقیقت مسلم و یك واقعیت انکار ناپذیر است، از وجود جمعیت‌ها، گروه‌ها و دسته‌های ملی و مترقی دیگر کشور نیز نمی‌توان چشم پوشید، آن‌ها هم واقعیت‌اند و هر یك از آن‌ها به اساس درك به جهان بینی خویش مبارزه می‌کنند. انکار از واقعیت‌ها، کینه توزی و بلند پروازی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. وظیفه اساسی اینست که چگونه باوجود اختلافات موجود که در حدود طبیعی خود موجود می‌باشد، وجوه مشترک بین گروه‌ها و جمعیت‌ها و سازمان‌های ملی و مترقی جستجو گردد، نه اینکه به‌واسطه کشیدن مرزهای جدید، این اختلافات هرچه بیشتر دامن زده شود و تشدید گردد.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان در طرف مشاورین و معلمین امریکایی طرح ریزی شده است. با وصف اینکه این پروژه تجربی به هیچ وجه نتوانست مفیدیت خود را عملاً در لیسه حبیبیه ثابت نماید، ولی بر طبق آن هنوز «تجربه» ادامه دارد و صنوف دهم و یازدهم لیسه به تخته مشق برای چنین «تجربه‌یی» مبدل گردیده‌اند.

نواقص عمدهٔ این «پروژه تجربوی» این‌هاست:

- مفردات پرو گرام تجربوی با پروگرام‌های تعلیمی صنوف پایان‌تر از صنف دهم بی‌ارتباط می‌باشد؛
- قسمت‌هایی از پرو گرام خیلی بسیط است که حتی متعلم از مطالعهٔ آن دلسرد می‌شود و قسمت‌های دیگری از آن بسیار مشکل می‌باشد که برای هیچ شاگرد قابل فهم نیست؛
- در پروژهٔ ریاضیات، مضمون فیزیک که خیلی اهمیت دارد شامل سه مضمون تحت پروژه هندسه، الجبر، مثلثات در حالی که مضامین جداگانه‌اند، تحت یك مضمون واحد تدریس می‌گردند. که این امر زمینه را برای تنبلی شاگردان فراهم می‌آورد.
- نامربوطیت جملات، غلطی‌های انشائی، املائی و طباعتی کتاب‌های تدریسی به حدی فراوان است که نمی‌توان آن‌ها را مورد استفاده قرار داد. بنا بر آن ما متعلمین صنوف دهم و یازدهم لیسه حبیبیه خواستار الغای این «پروژه تجربوی» می‌باشیم.

(امضای تعدادی از شاگردان صنوف دهم و یازدهم لیسه حبیبیه)

کارگران هوتل بین‌المللی

بی‌رحمانه استثمار می‌شوند

هوتل بین‌المللی که به «کمک» سرمایه گذاری استثمارگران انگلیس اعمار می‌گردد، اکثریت قاطع کارفرمایان و کارمندان آن از اتباع انگلستان می‌باشند و رفتار خشن و توهین آمیز کارفرمایان هوتل بین‌المللی در برابر کارگران نجیب و زحمتکش کشور ما قابل اعتراض شدید و بازخواست است.

سرپرستان خارجی کار هوتل بین‌المللی با حرص روزافزون، به بهانه اینکه تعمیر هوتل باید تا ایام جشن استقلال سال ۴۸ کشور، طبق پلان (!) تکمیل گردد، صدها نفر کارگر افغانی را روزانه (۱۱) ساعت استثمار می‌نمایند و در برابر این کار فقط مبلغ (۳۰) افغانی اجوره می‌دهند، در حالی که این رقم نظر به مزد کارگران عادی تعمیراتی کابل، حتی نظر به ساعات کار موسم تابستان هم ناچیز است.

کارگران وطن در برابر این همه رنج و تکالیف هیچگونه مصونیت قانونی ندارند. هرگاه در اثر کار پر مشقت یکی از کارگران مریض شود و یا اینکه ادعای مزد بیشتر کند فوراً از کار اخراج می‌گردد.

کارگران مجبور استند از محل سکونت تا محل کار و ازآنجا به محل سکونت پیاده رفت و آمد نمایند و یا اینکه چند افغانی از مزد ناچیز خود را به مصرف کرایه سرویس‌های شهری بدهند، در حالی که تأمین وسایل ترانسپورتی برای حمل و نقل کارگران به عهده کارفرمایان هوتل می‌باشد.

بهره کشی، سودجویی و استثمار که خصلت ذاتی استعمار است، به‌صورت مشهود در روابط غیرعادلانه بین کارفرمایان خارجی و کارگران داخلی هوتل بین‌المللی به مشاهده می‌رسید.

کارفرمایان هوتل بین‌المللی که در کسب سود بیشتر و استثمار شدیدتر تخصص دارند، از هر امکان و وسیله استفاده می‌نمایند تا کارگران افغانی را وادار سازند بهر نوع استخدام غیرعادلانه تن در دهند. چنانچه در اوایل ماه حوت عده زیادی از کارگران جدید با شرایط غیرعادلانه در هوتل بین‌المللی استخدام گردیدند. زیرا کارفرمایان هوتل می‌دانستند که ماه حوت موسم بیکاری می‌باشد و تقاضای دریافت کار در اردوی ذخیره بیکاران ا افغانستان قوس صعودی خود را می‌پیماید و از این‌رو کارگران بیکار با قبول هر نوع شرایط ظالمانه حاضر می‌گردند کار کنند، تا بدین ترتیب سود بیشتری به جیب انحصارگران کمپنی‌های خارجی بریزد، مقامات مسؤول حکومات با وصف اینکه از شرایط غیرعادلانه کار در هوتل بین‌المللی اطلاع دارند، نه تنها کوچکترین اقدام در زمینه بهبود شرایط کار کارگران نکرده، بلکه دست چپاول و غارتگری انحصارات خارجی را در استثمار بی‌رحمانه کارگران افغانی همچنان آزاد گذاشته‌اند. اینست نمونه‌یی از عدالت، مساوات و دموکراسی و نتایجی که از سرمایه گذاری خارجی برای خلق ستمدیده کشور ما دست می‌دهد.

دردها، شکایتها و اعتراضات خلق

فریاد مردم ولایت نیمروز از طغیان آب‌های بی لجام و بی‌اعتنائی مسئولان امور

ولایت نیمروز که به شهادت اکثر مورخان بزرگی داخلی و خارجی در باستان زمان یکی از مراکز باشکوه مدنیت شرق بوده و امروزه گذشته پرجلال آن از مفاخر تاریخ افغانستان عزیز بشمار می‌رود، به‌سوی ویرانی می‌گراید و همه ساله در موسوم بارانی، آنگاه که رود هلمند طغیانی می‌شود قسمتی از زمین‌های مستعد آن را که یگانه منبع تأمین معاش دهاقین بی‌پناه آنجاست، به کام خویش فرو می‌برد، چنانکه در ظرف بیست سال گذشته در حدود دو صدوبیست و پنج هزار جریب زمین مزروعی در حواشی هامون نیمروز زیر آب گردیده و به‌جای گندم نی و در عوض حاصل پشه‌های مرگزای ملاریا ببار می‌آورد و دهاقین آوارهٔ آن سال‌هاست با فقر و گرسنگی دست و گریبان‌اند.

درین روزها باز زمین‌های زراعتی ولسوالی کنگ مربوط این ولایت را آب فراگرفته و کشتی‌های اهالی مصیبت رسیده این سامان را به باد فنا داده است، ولی از چوکی نشینان دستگاه اداری هیچکسی نیست که به کمک مردم بشتابد و جلو این مصیبت همیشگی را بگیرد.

تنها کمك بزرگی (!) که با ین مردم ستمکشیده می‌شود و با حروف درشت در صفحات جراید رسمی دولت با آب و تاب خاصی انعکاس می‌یابد، همانا خبر امداد (!) افغانی سرمیاشت است که در چنین مواقع برای هر خانواده به چند قطی گوگرد، چند مثقال چای، چند متر تکه نساجی و چند سیر ناچیز آرد خلاصه می‌شود.

مردم می‌پرسند: آیا چارهٔ اساسی این مصیبت عظیم که همه ساله بر خلق ناتوان ولایت نیمروز نازل می‌شود همین است؟

اهالی نیمروز نسبت به این سهل انگاری عمال دستگاه حاکمه در مورد این مسأله حیاتی خویش جداً اعتراضی می‌کنند و خواستار آنند تا هر چه زودتر جلو این بی‌اعتنائی‌ها نسبت زندگی مردم گرفته شود.

عبدالحمید (شریفی) از ولایت نیمروز

(بقیه ص ۱)

شانتاژ و سند ...

مبارزات اجتماعی انحصار طلب نیست و همیشه مبارزات وطن‌پرستانه جریانات سیاسی دیگر و شخصیت‌های ملی را تمجید می‌نماید. ولی به کمال تأسف می‌بینیم که سندسازان و سند کشان ما مصرانه و لجوجانه، بجای اینکه در اندیشه تصحیح اشتباهات خود و جستجوی وجوه مشترک باشند، موارد ما به الاختلاف را بزرگ و بزرگتر جلوه می‌دهند، دسیسه و شانتاژ می‌کنند و اختلافات تازه‌یی به وجود می‌آورند. آن‌ها با این عمل خود در راه اتحاد و وحدت مجدد و همچنان اتحاد کلیه نیروهای ضد استبداد و ضد ارتجاع و امپریالیزم سنگ می‌اندازند و بر موانع موجود، موانع جدیدی می‌افزایند و حاضر نیستند اختلافات موجود در بین خود را از طریق مفاهمه و مذاکره، در چوکات اصول حل‌وفصل نمایند و خطرات ناشی از اختلافات موجود را رفع کنند و از آبی که در آسیاب دیگران می‌ریزد، جلو گیری به عمل آورند.

در فرجام یك بار دیگر به‌صراحت اعلام می‌داریم که جریان دموکراتیك خلق افغانستان در حالی که حاضر است به خاطر رنج‌های عظیم خلق کشور، به وضع فعلی در داخل اصول خاتمه دهد و درین راه از هیچ نوع گذشت اصولی و فداکاری دریغ نکند، در عین زمان به جعل کنندگان اسناد، دروغبافان خلقی نماها و کلیه نیروهایی که راه خصومت، شانتاژ و آشتی ناپذیری را با جریان دموکراتیک خلق افغانستان در پیش گرفته‌اند، خاطر نشان می‌کند که ما یك وجب و حتی یك سانتی هم از موضع اصولی خود، از راهی که در پیش گرفته‌ایم، منحرف نخواهیم شد و به هیچ نوع معامله گری سیاسی تن در نخواهیم داد و پرنسیپ فروشی نخواهیم کرد و به‌طور پیگیر در راه اهداف ملی و مترقی خود، در راه افشای ماهیت حقیقی دشمنان خلق و نهضت و منحرفین راست و چپ و خلقی‌های دروغین و ساخته و پرداخته ارتجاع و امپریالیزم مبارزه خواهیم کرد و هرگاه تهدید کنندگان و شانتاژ کنندگان و سندسازان بیش ازین بر ما جدل علنی را تحمیل کنند، علیه آن‌ها در چوکات منطق و حساب دلیرانه مبارزه خواهیم کرد و در آن صورت عواقب ناشی از آن به عهده خلقی نماها خواهد بود و حقایق و تاریخ آنان را محکوم خواهد کرد.

(از (ص اول)

تظاهرات عظیم و شکوهمند ...

آنچه درین تظاهرات و نمایش‌های بی‌سابقه به‌عنوان طلیعه درخشانی از آینده پیروزمند نهضت رهایی بخش ملی و اجتماعی کشور به رهبری طبقه عصر آفرین کارگر قابل همه گونه تقدیر و ستایش است، درك رسالت تاریخی طبقه کارگر افغانستان به حیث پیشاهنگ جنبش از طرف قشرهای مختلف وطن‌پرست کشور، بخصوص روشنفکران و محصلان و ایجاد همبستگی خلل ناپذیر بین آن‌ها در استقبال از جشن جهانی کارگران و حمایت از حقوق آن‌ها و همچنان حفظ نظم و انتظام در جریان مظاهرات، طرد و تجرید ماجراجویان و اخلالگران درین نهضت کارگری می‌باشد.

یاد داشت: متن دری و پشتوی قطعنامه این مظاهرات درین شماره تقدیم شده است.

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان

۱۵ ثور ۱۳۴۸

بالاخره بعد از ده سال و ده ماه و ۲۸ روز، ریاست جمهوری جنرال دوگول سقوط کرد

ریفراندم در فرانسه بروی پلان‌های مطروحه جنرال دوگول طوری که پیش بینی می‌شد، با شکست جنرال دوگول پایان یافت. روزنامه اومانته چاپ پاریس می‌نویسد: سر انجام دوگول شکست خورد و این شکست درس دیگریست برای دیکتاتوری‌های فردی، عدم رضایت مردم و مخصوصاً طبقه زحمتکش فرانسه که توأم با اعتصابات و مبارزات عامل عمدهٔ این تغییر در رژیم بود. در ریفراندم اخیر حوزه‌های کارگری به مخالفت دو گول رأی دادند. سیاست فردی دوگول زندگی کارگران را تنگ و تنگتر کرده، دموکراسی فرانسه را محدودتر می‌ساخت و این امر هم باعث از بین رفتن وی شد. در اعلامیه دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه گفته می‌شود: «این واقعهٔ مهم، یك گام عمده در راه از بین بردن قدرت استبدادی و تعویض آن بیك دموکراسی پیشرفته سیاسی و اقتصادی می‌باشد که راه را برای سوسیالیزم باز می‌کند. برای مردمی که در راه به وجود آوردن یك جهت گیری سیاسی درست مبارزه می‌کنند، ایجاد اتحاد کارگران و نیروهای دموکراتیك به حیث تهداب لازمی به غرض متحد ساختن تمام نیروهای ملی امری ضروریست. برای برآورده شدن این منظور حزب کمونیست فرانسه به مساعی خود در راه طرح یك پروگرام مشترک که تمام احزاب جناح چپ و سازمان‌های بزرگ اتحادیه‌های کارگری را به خاطر استقرار یک سیستم کاملاً جدید با هم متحد سازد و جوابگوی نیازمندی‌های طبقه کارگر و تمام بخش‌های خلق کارگر و مطابق به منافع ملی فرانسه باشد ادامه خواهد داد.»

کنفدراسیون عمومی کار طی اعلامیه‌یی می‌گوید: «مخالفت جدی و عمیق کارگران باعث سقوط دوگول شد، کارگران از سیاست اجتماعی و اقتصادی دو گول شدیداً متضرر شدند. زحمت کشان فرانسه نه تنها خواهان استعفای دو گول بودند، بلکه خواهان اصلاحات اساسی در کشور نیز می‌باشند.

کنفدراسیون عمومی کار ترقی اجتماعی و تعمیم دموکراسی را در فرانسه خواهان‌ست. فدراسیون عمومی کار فرانسه حاضر است با احزاب و جمعیت‌های مترقی در یك جبهه متحد ملی مبارزه کند.»

فعالیت احزاب سیاسی در فرانسه برای کاندید نامزدهای ریاست جمهوری ادامه دارد. حزب کمونیست فرانسه از حزب سوسیالیست فرانسه تقاضا کرد تا هر دو حزب پروگرام مشترکی را برای مبارزات خود طرح کنند و در راه به وجود آوردن حکومت مترقی در فرانسه همکاری نمایند. ولی (گی مولی) این پیشنهاد را رد کرد.

توطئه دیگر امپریالیزم در شرق میانه

حکومت ایران قرار داد سرحدی سال ۱۹۳۷ مربوط به‌حق کشتی رانی در شط العرب را به‌طور یك جانبه لغو نمود و این امر باعث شد که از یکطرف مناسبات ایران با کشورهای عربی بیش‌ازپیش خراب‌تر و گردد و از جانب دیگر بحران شرق میانه ساحه‌های وسیع‌تری را در برگیرد.

دلیلی که حکومت ایران برای توجیه این اقدام یك جانبه خود ارائه می‌دارد اینست که قرارداد مذکور در دوران تسلط استعمار بر ایران تحمیل گردیده است، عراق ادعای ملکیت شط العرب را می‌نماید، عبور کشتی‌های ایرانی را تهدید می‌کند و قروض و حق العبور خود را نمی‌پردازد.

ما جنبه‌های حقوقی قرار داد ۱۹۳۷ بین عراق و ایران را از نظر حقوق بین‌الدول و فصل مربوط به معاهدات سرحدی در صورت لزوم در وقت دیگری مورد بحث قرار خواهیم داد. آنچه در اوضاع‌واحوال کنونی بیشتر کسب اهمیت می‌نماید، پهلوهای سیاسی موضوع می‌باشد.

در زمانی که کشورهای عربی بخصوص جمهوریت متحد عرب، سوریه، اردن و عراق و دیگر کشورهای مترقی و ضد استعماری در مبارزه مرگ وزندگی با امپریالیزم و صهیونیت مصروف‌اند و بقایای استعمار و آثار تجاوز سال ۱۹۶۷ اسرائیل به قوت خود باقیست، در زمانی که امپریالیزم به همکاری صهیونیزم و ارتجاع عرب موجودیت دولت‌های مترقی و ضد استعماری را در سوریه، جمهوریت متحد عرب و عراق پیوسته تهدید می‌نماید و صلح جهانی از این ناحیه شدیداً در معرض خطر قرار گرفته است، همچو اقداماتی که اتحاد و همبستگی بین کشورهای این منطقه را برهم می‌زند، مایه نگرانی و باعث تشویش ما می‌باشد.

خلق برادر ما، ایران که بر اساس قراردادهای واقعاً استعماری و اسارت آور به عضویت در بلوک‌ها و دسته بندهای نظامی و سیاسی در آورده شده‌اند و مادهٔ حیاتی ملت ایران یعنی نفت آن را کنسرسیوم نفت به یغما می‌برد، انحصارات نفتی و غول‌های انحصارات امپریالیستی در تاروپود حیات اقتصادی آن ریشه دوانیده است، برای نجات خو د از این وضع و پیروزی در نبرد علیه تسلط نظامی و اقتصادی امپریالیزم و تعقیب راه رشد مستقل اقتصادی و سیاسی بیش از ه وقت دیگر به اتحاد و همبستگی، نزدیکی و دوستی با کشورهای همجوار صلح‌دوست خود و کلیه نیروهای مترقی و ضد استعماری جهان نیازمند می‌باشد. با منافع تمام ملت‌های شرق میانه، و امر صلح ایجاب می‌نماید که در شرایط کنونی هر نوع عملی که اتحاد بین خلق‌های برادر این ناحیه جهان را ما خدشه دار می‌سازد، به نفع هیچ‌کس جز امپریالیزم و نیروهای ارتجاع بین‌المللی نمی‌باشد. مادر حالی که پشتیبانی و همبستگی کامل خود را از مبارزات مردمان عرب علیه امپریالیزم صهیونیزم اعلان می‌نماییم، از کلیه نیروهای ضد ارتجاع و امپریالیزم، از تمام نیروهای صلح‌دوست و عدالت پسند و مترقی جهان و بخصوص کشورهای این ناحیه تقاضا می‌نماییم که برای جلوگیری از عملی شدن توطئه‌های امپریالیزم در شرق میانه، به‌منظور حفظ صلح و سلام این منطقه و جهان در یك صف واحد ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم بین‌المللی قرار گیرند و از هر نوع اختلافی که جبههٔ مبارزه بر ضد امپریالیزم و ارتجاع را ضعیف می‌سازد، خود داری کنند.

بخشی از نامه‌های الهام‌بخش کارگران

آگاه کشور به مناسبت روز اول می

با فرا رسیدن اول ماه می - روز جشن همبستگی کارگران جهان و نشر شعارهای جریان دموکراتیک خلق افغانستان این نیروی پیشاهنگ طبقه کارگر جوان کشور به مناسبت این روز فرخنده، تعدادی از کار گران مبارز و پیشدار به استقبال از این روز احساسات وطن‌پرستانهٔ خویش را طی مقالات و نامه‌هایی به اداره پرچم فرستاده‌اند. در حالی که احساسات شریفانه این کارگران آگاه و مبارز کشور مورد تقدیر وستایش ماست و آن را مظهر بیداری شعور طبقاتی کارگران پیش آهنگی کشور میدانیم، بر خی از قسمت‌های بعضی ازین نامه‌ها را در اینجا انعکاس می‌دهیم.

عدهٔ از کارگران فابریکه نساجی پلخمری به نمایندگی از کارگران نساجی کشور در پیامی به مناسبت (اول می) می‌نویسند:

«به مناسبت جشن بین‌المللی کارگران، دردهای گرم خود را به تمام کارگران و آنانی که سال گذشته به خاطر مطالبات کارگران، شغل و کارشان را از دست دادند و یا زندانی شدند می‌فرستیم.

نفرین بر دشمنان خلق، دشمنان آزادی و برادری!

سلام‌های گرم بر آن گروه کارگران نساجی پلخمری و گلبهار که در راه‌های شکستن سکوت مرگبار در فابریکات ما، خود را به مخاطره انداختند و زنجیرهای پارینه را با مبارزات دلیرانهٔ خود شکستند!

ما یکبار دیگر همبستگی، ارادت و برادری خود را به پیشگاه تمام کارگران وطن عزیز، خاصتاً کارگرانی که به خاطر زندگی ما بیکار شدند و یا به زندان‌ها رفتند، تقدیم می‌کنیم.

هنوز عهدها پا برجاست! هنوز پیر با ما زنده‌ایم! هنوز وطن ما را در آغوش خود دارد! هنوز با مبارزه استیم و با آن خواهیم بود! درود و تهنیت بر (می)، بر می زنجیر شکن و پیام آور آزادی!

* * *

کارگر رزمجو (یحیی رزمی) طی مقالهٔ مفصل خویش به مناسبت روز اول ماه (می) می‌نویسد:

«اول ماه می روز همبستگی کارگران جهان را ما نیز باید باشکوه و عظمت خاص برگزار نماییم. ما کارگران که تمام نعمات مادی جامعه را میا آفرینیم و محروم‌ترین طبقه‌یی از جامعه هستیم، حق داریم که این روز را رسماً با شکوهمندی و جلال برپا داریم و از خواست‌های خویش دفاع نماییم. بر ماست که در چنین روزهای خاص یکبار دیگر ضرورت اتحاد خویش را برای انجام مبارزه مشترک هرچه نیرومندتر تذکار دهیم. آخر مگر نه آنست که دردهای ما مشترك و خواست‌های ما مشترك است و همه به یك زنجیر بسته‌ایم؟!»

* * *

کارگر آگاه (م، م) خطاب به رفقای کارگر خود مینگارد:

«رفقای کارگر! بیایید ما نیز مانند دیگر رزمندگان تاریخ پرافتخار بشریت مترقی به خاطر نجات خویش و خلق وطن پر ارج خود دلیرانه مبارزه کنیم. رفقای کارگر! آینده از آن ماست و نیروی خلاقی در ما نهفته است، بایستی از آن در راه رهایی خویش و که به معنی نجات تمام خلق است، استفاده نماییم. رفقای کارگر! وظیفهٔ فوری ماست که برای ایجاد اتحادیه‌های کارگری مجدانه بکوشیم و در برابر جاع سرمایه داران و کارفرمایان که رفقای کارگر ما را از کار اخراج می‌نمایند، مقاومت نشان دهیم.

رفقای کارگر! پیروزی و غلبه بر دشمن طبقاتی ما در اتحاد ماست.»

* * *

کارگر جوان (ا. نیکو کار) ضمن تشریح تاریخچه روز بین‌المللی کارگران و دعوت کارگران کشور به اتحاد و همبستگی می‌نویسد:

«در تاریخ مبارزات قهرمانانه ستم کشان برعلیه ستمگران صحنه‌های شورانگیز و روزهای باشکوه و افتخارآمیزی وجود دارد. روز اول می - روز همبستگی بین‌المللی کارگران، یکی ازین روزهای فر خنده است.

به‌پاس گرامی داشتن خاطره این روز از رفقای کارگر خود تقاضا می‌نمایم که دست اتحاد و یگانگی را به خاطر ایفای پیروزمندانهٔ نقش رزمندگی و پیشاهنگی در نهضت نجات بخش ملی و اجتماعی خلق کشور، به هم دهند. متیقنم که در تحت پرچم اتحاد و همبستگی، ما کارگران می‌توانیم با نبرد ظفرمندانه خویش لحظات پیروزی را نزدیکتر سازیم.

- بر افراشته باد پرچم مبارزه خلق کارگر کشور!
- درود آتشین به خلق قهرمان ویتنام!
- درود گرم به خلق‌های آزادی دوست عرب!»

* * *

پیاوړی کارگر محراب د بلخ له ولایت نه دیو مفصل مضمون په ترڅ کی د »کارګران باید یو موتی او وښیار وی «تر عنوان لاندی لیکی:

د پروسږ کال دمی د لومړی نیټی نه را به پدیخوا د ټول افغانستان په کارګرانو کی یو شور او شوق را پیدا شو. په حقیقت کی دکارګرانو د بین‌المللی ورځی په مناسبت د پرچم دتیرکال بی ساری اعلامیی او دعوت د افغانستان کارګران هغه ستر مسؤولیت ته متوجه کړ چه په تاریخی لحاظ دوی ته ورپه غاړه دی.

دکارګرانو پروسږنیو اعتصابونو، مظاهرو او مارشونو دا واقعیت وښود چه افغانی کارګر خپل ضرورت او خپله طبقه پیژندلی ده او دطبقاتی مبارزی دشروع او سرته رسولو لپاره بنه لیاقت لری.

دا دی اوس چه د پرچم دخلك ددموکراتیك افکارو خپرونکی لومړنی اعلامیي نه یو کال تیریږی او دادی دمی دلومړی ورځی په مناسبت دافغانستان ددموکراتیك خلق جریان خپله دو همه مبارکی خپروی، زه غواړم خپلو کارګرو ورونو ته ددی ستری ورځی په لمانځنه کی دا تریخ اعتراف وکړم چه مور لا تراوسه هم دمبارزی له فن سره نه یو آشنا شوی او باید آشنا شو. مور انقلابیان او ماجراجویان ندی سره بیل کړی او باید سره بیل یی کړو. مور اتحادیه او تشکیل نلرو او باید ویی لرو. مونږ خپل شرایط، دجامعی شرایط او د جهان شرایط لاندی پیژندلی او باید ویی پیژنو.

باید دوطن ټول کارګران یو موتی او وښیار وی. په همدی هیله او د بری په ایمان ټولو کارګرو ورونو ته د کارګرو د بین‌المللی ورځی په مناسبت مبارکی وایم او دپرچم لوړوالی او کامیابی غواړم. تل دی وی وطن او ژوندی دی وی خلك.»

د لشکرگاه د لیسی د متعلمینو او متعلماتو اعتصاب

د حمل په ۳۱ نیټه د لشکر گاه دلیسی متعلمینو او متعلماتو، دلشکرگاه دښووني او روزنی دلوی مدیر په ضد په اعتصاب لاس پوری کړ. ویل کیږی چه نوموړی لوی مدیر د خپلو خپلوانو په مرسته چه په لیسه کی یی لری په قبیلوی توګه د لیسی تدریسی مدیر پخپله اداره کی بنه کلك وواهه.

دشاګردانو اعتصاب سبا ته دسهار په (۷) بجو دلیسی په چاپیریال کی، د تدریسی مدیر په تأیید او د عمومی مدیر په ضد شروع شو. ده هماغی ورځی په (۹) بجو متعلمین او متعلمات دتدریسی مدیر کورته ورغلل او هغه یی له خپله کوره بیرته بنوونځی ته راوست. خبر وایی چه دلښکرگاه حکومتی کسانو د مدیر دبیرته راوستو او پخلاکولو مطالبه، چه دشاګردانو له خوا شوی وه، ومنله او مدیر بیرته په خپل رسمی کار پیل کړ دی.

دشاګردانو اعتصاب د ورځی په هر ۹ بجو دجذابو ویناګانو نه وروسته پای ته ورسید او شا گردان خپلو ټولګیو ته لاړل.

شاګردانو د اعتصاب په ترڅ کی دا شعارونه ورکړل:

- تل دی وی اتحاد!
- مرده باد توطئه گران علیه وطنپرستان!
- مړه دی وی د (سی آی ای) نوکران!
- نا بود دی وی استبداد!
- محو باد ستم و استعمار
- مړه دی وی تفرقه اچونکی.
- محو دی وی تفوق غوښتونکی!
- بریالی دی وی وطن پالونکی!

دشاګردانو د غوښتن لیك متن:

تفرقه اچول، خلك یو له بل نه بیلول او دخپلوی او وطنداری په اساس چلیدل، اساسا یو ناوړه کار او دوخیمو عواقبو لرونکی دی.

باید دخلکو ترمینځ د اتحاد او یووالی مزی ټینګ کړو، جنبه بازی او یوازی خپل قوم تقویه کول اودبل ذلیلول، باید له ریشی څخه له مینځه یوسو او د دوی پر ځای دغم شریکی، وروروالی او همدردی کړی سره کلکی کړو، مګر باید به ډاګه وویل شی چه دښووني اوروزنی لوی مدیر دا اصول تر پښولاندی کړی او په بله لاره روان دی.

دلیسی تدریسی مدیر چه یو بادرده او حق بین انسان دی او خپل وظایف یی په پاکی او صداقت اجرا کړیدی دلوی مدیر او دهغه د داراودستی له خوا په رسمی وخت، رسمی اداره کی په ډیره بی‌رحمانه توګه د ځانی ګټو او شخصی غرضونو لپاره ووهل شو، نو ځکه مور (دلشکرگاه د لیسی نجونو او هلکان) په کلکه دښووني او روزنی د لوی مدیر دا عمل غندو او دده وجود به لیسه کی بیلزومه بولو.

په نتیجه کښي زمونږ جدی غوښتنه داده چه باید لوی مدیر له بنوونځی څخه لیری شی.

بل دا چه بناغلی تدریسی مدیر خپلی وظیفي ته حاضر او د پخوا په شان خپل کار وکړی.

مونږ دلشکرگاه دلیسی زده کوونکی له صلاحیتداره مقام څخه هیله لر و چه زمونږ پورتنیو غوښتنو ته ژر تر ژره مثبت ځواب ورکړه شی او کنه مور به خپل اعتصاب ته په قانونی توګه ادامه ورکړو. «

اعتصاب شاگردان دارالمعلمین هرات

شاگردان دارالمعلمین هرات از تاریخ ۱۹ حمل دست به اعتصاب زده‌اند و خواست‌های عمدهٔ شاگردان را مطالب آتی تشکیل می‌دهد:

ارتقای دارالمعلمین اساسی به دارالمعلمین عالی؛

- تشکیل صنف یازدهم مستعجل برای فارغان صنف دهم؛
- تکمیل کمبود معلم و سامان و لوازم درسی؛
- اجازه دایر کردن کنفرانس‌های علمی و اجتماعی و نمایش درامه های انتقادی؛
- اصلاح وضع داخلی مکتب و تنظیم پروگرام‌های سیر علمی برای شاگردان؛
- بهبود شرایط زندگی در لیلیه و شرایط تدریسی.

تجلیل روز اول می در ولایات و مراکز صنعتی کشور

جشن اول می، روز همبستگی کارگران جهان که مصادف به (۱۱) ثور ۱۳۴۸ بود، در ننگرهار، کندهار، پروان، کاپیسا و غیره ولایات و شهرها و مراکز صنعتی کشور با مراسم شانداری تجلیل گردید که تفصیل آن بعد از حصول راپورهای مربوط، در آینده تقدیم می‌شود.

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افانستان
هره دوشنبه خپریږی

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق
آدرس: زرلښت مارکیت— محمدجانخان واټ. کابل- افغانستان
تیلفون: ۲۳۱۶۴

د اشتراک بیه
په کابل کښی د کال: ۱۲۵ افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کښی د کال: ۱۴۰ افغانی
په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر
د جاری حساب نمبر به پښتنی تجارتی بانک کښی ۳۸۵۳

د یوه گنی بیه : ۲/۵ افغانی

تایپ متن: قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

مطبعه دولتی